گفت‌وگو ۱
سجاد آذری

رئیس سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران در گفت‌وگو با «جوان»:

تهران در زلزله ۷ ریشتری هم محکوم به فنا نیست!

اخیراً اسم سازمان مدیریت بحران در ماجرای برف تهران بیشتر شنیده شد، وقتی که خبرهای مدیریت برف از مرکز این سازمان منتشر می‌شد. از سوی دیگر وقتی در تهران اسم بحران می‌آید مهم‌ترین موضوعی که به ذهن متبادر می‌شود هراس همیشگی از زلزله پایتخت است که همیشه به عنوان سرنوشت محتوم تهران برای نابودی درباره آن هشدار داده شده‌است، در شرایطی که زلزله خوی و همچنین زلزله در ترکیه و سوریه سطح این نگرانی را نیز افزایش داده‌است، به منظور بررسی بیشتر کارهای انجام شده برای مدیریت بحران در تهران به سراغ رئیس سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران رفته‌ایم و با علی نصیری در این خصوص گفت‌وگو کرده‌ایم.

سازمان مدیریت بحران در خصوص برفی که اخیراً در تهران بارید چه کاری انجام داد؟

روز یک‌شنبه گذشته برف بسیار سنگینی را تجربه کردیم که بعد از برف بهمن ۹۶ بی‌سابقه بود. برف بهمن ۹۶، ۲۱ سانتی‌متر بود و برف یک‌شنبه ۲۳ بهمن ۱۹ سانتی‌متر که ۱۹ ساعت هم به شکل مداوم بارید. در این شرایط برای اولین‌بار در تاریخ شهرداری بود که تشخیص داده شد از ظرفیت سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران و از اتاق بحران یا مرکز هماهنگی عملیات‌های اضطراری eoc که پایتخت دارد و در اختیار سازمان است، استفاده شود. غیر از این دوستان هم آمادگی میدانی جدی پیدا کرده‌بودند و از شب قبل پاشیدن شن و نمک شروع شده که نزدیک ۱۱ هزار تن در ۲۴ ساعت پاشش انجام شده‌بود. مهم‌ترین ویژگی که برف یک‌شنبه داشت، مدیریتی بود که انجام شد و با وجود اینکه برف آن از پنج‌شنبه قبل هم سنگین‌تر بود ولی در این برف سنگین‌تر اتفاقات پنج‌شنبه را شاهد نبودیم و گره ترافیکی بابت برف شکل نگرفت.

با مدیریت علمی که اتفاق افتاد و هماهنگی همه دستگاه‌ها که همگی در یک مکان گرد هم آمدند، این کار انجام شد، آنجا با استفاده از ظرفیت دوربین‌های شهری، سامانه‌های مختلف حوزه هواشناسی، پایش لحظه‌ای دما و میزان بارش برف در نقاط مختلف تهران و همینطور آمادگی عملیاتی خیلی خوبی که بود، این مدیریت انجام شد در کنار آن حضور خیلی خوب رسانه‌ها که لحظه به لحظه در کنار ما بودند و به شکل مداوم اخبار را رصد می‌کردیم و اجازه نمی‌دادیم شایعه‌ای شکل بگیرد و به افکار عمومی توضیح می‌دادیم موجب شد تا بتوانم بگویم به نظر ذائقه افکار عمومی کمتر تلخ شد و ما توانستیم برف روز یک‌شنبه را بهتر مدیریت کنیم.

چرا این موضوع برای روز پنج‌شنبه اتفاق نیفتاد؟

بالاخره از قدیم یک رویه‌ای در شهرداری بوده‌است و خدا را شکر برای یک‌شنبه اتفاقات بهتری افتاد، البته پنج‌شنبه دلایل دیگری هم داشت. در هر صورت من مسئول برف نیستم و مسئول برف آقای نظری معاون خدمات شهری و محیط‌زیست شهرداری تهران است با این حال می‌گویم که از پنج‌شنبه بهتر بودیم اینکه پنج‌شنبه خوب یا بد بود را من کاری ندارم.

شما در ماجرای برف فقط کار ستادی انجام می‌دادید؟

بله همه کارهای ما ستادی است و چهارشنبه هم ستاد برف را داریم. از بامداد سه‌شنبه نیز ستاد کوچک‌تری بر پاشش نمک و آمادگی‌ها قبل از شروع جدی بارش‌ها نظارت می‌کند.

وقتی این نوع کار ستادی را انجام می‌دهید چند درصد هم‌افزایی اتفاق می‌افتد؟

ما که مطالعه نمی‌کنیم چند درصد است، ولی اوضاع به شدت بهتر شده‌بود، وقتی که رودرو پلیس، صداوسیما، حمل‌ونقل و ترافیک، خدمات شهری، مناطق بیست و دوگانه، هواشناسی و هرکس دیگری که ربطی به موضوع داشت همه در یک اتاق نشسته‌اند و هر مشکلی که پیش بیاید نماینده آن بی‌سیم می‌زند، به زیر مجموعه خودش که موضوع را حل کنید و حتی اگر می‌بینیم مشکل دارد، جدی می‌شود از مناطق دیگر مثلاً ماشین برف‌روبی کمک می‌گیرند و می‌فرستند، همان یدالله مع الجماعت می‌شود و خدا هم کمک می‌دهد.

از همین موضوع بحران برف می‌خواهم پلی به امکان زلزله در تهران بزنیم. برف ممکن است در پنج‌شنبه یا یک‌شنبه اتفاق بیفتد، ولی زلزله یکبار اتفاق می‌افتد و اینگونه نیست که بگوییم دفعه بعدی هماهنگ‌تر می‌شویم.

زلزله یک موضوع خیلی جدی تهران است، به هر حال زلزله در تهران خواهد آمد که زمان آن را هیچ کسی نمی‌تواند پیش‌بینی کند، ربطی هم به زلزله خوی و ترکیه هم ندارد، آنها نمی‌توانند گسل‌های تهران را فعال کنند. ولی سال‌های سال در تهران زلزله آمده و بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ سال یکبار تهران زلزله‌ای به بزرگی ۷ ریشتر داشته‌است. گسل‌های تهران توان زلزله‌خیزی ۷ ریشتری را دارند که عدد بسیار بزرگی است، چون هر ریشتر ۳۲ برابر قبلی است. در زلزله‌های زیر ۵/۵ ما فقط اختلال عملکردی خواهیم داشت که شامل ترافیک، ازدحام، پخش شایعات و هجوم به سمت خروجی‌های شهر است ولی در زلزله‌های بالای ۵/۶ و ۶ ما مسائل تخریب و آسیب جدی در بافت فرسوده را هم ممکن است شاهد باشیم.

خلاصه قصه این است که برای زلزله تهران کار و برنامه‌ریزی زیاد شده‌است، ما همین دوشنبه در ۲۲ منطقه شهرداری به همراه ستاد مرکزی یعنی در ۲۳ نقطه شهر همزمان مانور زلزله ۵/۲ ریشتری را دور میزی داشتیم و ستاد اصلی و ۲۲ ستاد منطقه‌ای همزمان فعال شد که یک تمرین خوبی بود، ۲۲ دستگاه تخصصی حضور داشتند، ۱۵ کارگروه تخصصی مانند کارگروه سلامت، کارگروه امداد و نجات، کارگروه آتش‌نشانی و موارد خطرناک، کارگروه امنیتی و انتظامی، کارگروه پخش مواد نفتی و دیگر کارگروه‌ها نیز حضور داشتند و در مورد تکالیف و وظایف آنها در زلزله بحث شد که این یک برنامه‌ریزی مدیریتی است.

در مورد سوله‌های مدیریت بحران هم ما در مجموع ۱۰۵ پایگاه داریم. در هر منطقه شهرداری یکی از آنها پایگاه ویژه محسوب می‌شود که مدیر بحران منطقه و کارشناسان مربوطه در آن مستقر می‌شود و همینطور هم در هر ناحیه شهرداری هم یک پایگاه پشتیبانی داریم که البته ۳۵ تا کم است که باید به سرعت ساخته شود، پنج پایگاه هم به عنوان معین در ورودی‌های شهر هست و استان‌های معین که می‌خواهند کمک کنند در آن پایگاه‌ها بارانداز و محل تجمع نیروهای آنهاست تا در شهر توزیع شوند. این پایگاه‌ها در حال نگهداری هستند و روز به روز اضافه می‌شوند که نقش فرماندهی محلی را برعهده دارند و البته نقش اسکان اضطراری را ندارند.

البته گفته شده خیلی از پایگاه‌ها اجاره داده شده‌است.

این مربوط به سازمان ورزش است که ۵۲ عدد از آنها در اختیار ورزش قرار گرفته است و با دستور صریح شهردار تهران هر چند قرار نیست، آنها را از ورزش پس بگیریم و ورزش در آن نشود، ولی باید اختیار آن در دست سازمان بحران قرار بگیرد که هر لحظه که حادثه‌ای شد سریع بتواند به شرایط اضطراری بازگردد و برای شرایط بحرانی تغییر کاربری پیدا کند، اما الان اینگونه است که به اسم ورزش بانوان گرفته شده ولی دوستان بعدازظهرها هم به آقایان اجاره می‌دهند و بحث‌های درآمدزایی از آن را پیگیری می‌کنند.

حتی زمانی در یکی از اینها برنامه تلویزیونی نیز ساخته می‌شد.

خندوانه و اینها هم بود که جمع شده‌است. الان تقریباً غیر از یکی دوتا استثنا که موارد خاص است، تقریباً ما موضوع دیگری نداریم. ولی آن ۵۲ تای ورزش را هنوز سازمان ورزش تحویل نداده‌است که داریم تلاش می‌کنیم اقدامات اداری آن انجام شود.

اگر زلزله بالای ۵/۵ ریشتر مانند ۶ یا ۷ داشته باشیم چند درصد تهران سالم می‌ماند؟

به هر حال اینگونه نیست که تهران در زلزله‌ها محکوم به فنا باشد و تهران محکوم به این نیست که آهک روی آن بپاشند و اینکه می‌گویند همه می‌میرند و همه جا ویران می‌شود، تفکر غلطی است. هر چند اینگونه نیست که میزان خسارت‌های جانی و مالی تهران بعد از زلزله کم باشد ولی اینگونه هم نیست که قرار باشد روی کل تهران حتی در زلزله ۷ ریشتر خاک بپاشیم چون حداقل هر دو گسل آن با هم فعال نمی‌شوند و قاعدتاً فقط یک گسل تهران فعال می‌شود، در خود بم نیز فقط یک طرف شهر بیشتر تخریب شد.

یک گسل فعال شود گسل دیگر را فعال نمی‌کند؟

گسل شمال شرق ربطی به گسل جنوب غرب ندارد، گسل مشا فشم که منتهی به شمال تهران می‌شود، اگر فعال شود، مناطق شمالی عمدتاً تحت‌تأثیر قرار می‌گیرند و مناطق جنوبی از گسل کهریزک و ری متأثر می‌شوند. البته زلزله شدید فقط بستگی به ریشتر آن هم ندارد و عمق کانون زلزله، دوری و نزدیکی کانون آن به شهر و خیلی از مؤلفه‌های دیگر در آن تأثیرگذار است که بحث‌های فنی و علمی آن را نمی‌خواهم در اینجا مطرح کنم، ولی به هر حال همه شهر با هم از بین نمی‌رود هر چند بالاخره اختلال عملکردی و مسائل جدی در شهر خواهیم داشت که دانه به دانه دارد پیگیری می‌شود.

جمله‌ای که می‌خواهم بگویم، این است که کارهای زیادی انجام داده‌ایم و باید در فرصت وسیعی فقط به شکل کامل آنها را توضیح داد ولی این را باید توجه داشت که زلزله و هر بحران مهم دیگری مانند کرونا، جنگ و غیره نه در ایران و نه در هیچ جای دنیا بدون مشارکت فعال مردم قابل مدیریت‌شدن نیست مردم هم برای اینکه مشارکت کنند اول از همه باید آگاه باشند که ما در این خصوص طرح پویش آموزش همگانی شهر را آماده داریم و مردم می‌توانند در سایت سازمان ما https://tdmmo.tehran.ir/ ثبت‌نام کنند یا در سراهای محلات یا حتی به سوله‌های بحران برای آن مراجعه و ثبت کنند و ما آموزش رایگان به آنها می‌دهیم. هر سازمان، ارگانی یا هر جای دیگری که تعدادی از مردم را دور هم جمع کنند ما در هر روزی از هفته باشد افراد را برای آموزش دادن به آنها می‌فرستیم.

نکته دیگر این است که من از مردم خواهش می‌کنم برای خودشان چادر بخرند و در منزل داشته باشند، کیف اضطراری در خانه، ماشین و محل کار را که وسایل آن هم در سایت سازمان هست، نیز تهیه کنند و بدانند در شرایط بحرانی باید چکار کنند تا در خودامدادی و خوداتکایی آمادگی لازم را داشته باشند. لازم است که مردم کمک کنند، چون در جایی مانند تهران عده و عُده آنقدر زیاد است که نمی‌شود در شرایط اضطراری فقط به دولت و حکومت سپرد.

گفت‌وگو ۲
رضا علیپور

استاد حقوق بین‌الملل در گفت‌وگو با «جوان» مطرح کرد

جنایات پرویز ثابتی در خود امریکا قابل تعقیب است

پرویز ثابتی سال ۱۳۴۵ به ریاست اداره یکم از اداره کل سوم ساواک در حکومت پهلوی منصوب شد. او سال ۱۳۴۹ معاون دوم اداره کل سوم بود و از سال ۱۳۵۲ تا زمان انقلاب نیز مسئول اول اداره کل سوم ساواک موسوم به امنیت داخلی را برعهده داشت که در این منصب عملاً مدیر زندان مشترک ضد خرابکاری یا همان موزه عبرت فعلی هم بود. دستگیری و شکنجه انقلابیون از جمله رفتارهای معمول مأموران تحت مدیریت وی بود که بنا بر شهادت متعدد انقلابیون در حضور و با امر وی انجام می‌شده‌است. وی همچنین یکی از تئوریسین‌های اصلی خشونت و سرکوب انقلابیون در حکومت پهلوی نیز بوده‌است. ثابتی که دهه‌ها خود را از دید عموم مخفی می‌کرد و حتی عکس‌های معدودی هم از وی منتشر می‌شد، اخیراً جرئت پیدا کرده و در تجمع ضدانقلاب در لس آنجلس به همراه خانواده‌اش شرکت کرده‌است. سال ۹۱ که ثابتی کتاب خاطرات خود را با نام «در دامگه حادثه» و به امید تبرئه از جنایاتی که انجام داده بود، منتشر کرد، بسیاری از فعالان سیاسی داخل و خارج کشور به مطالب آن انتقاد کردند و ثابتی را به تطهیر ساواک و تحریف تاریخ جنایات ساواک متهم کردند. ۱۹۸ نفر از زندانیان ساواک نیز در نامه‌ای با استناد به «عهدنامه بین‌المللی منع شکنجه و مجازات‌های اهانت‌آمیز و غیرانسانی»، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در دهم دسامبر ۱۹۸۴، خواستار پیگرد حقوقی ثابتی و اخراج وی از امریکا شده‌بودند. برای بررسی امکان‌های پیگیری حقوقی جنایات عمال حکومت پهلوی از جمله ثابتی به سراغ یکی از اساتید شناخته شده حقوق بین‌الملل و حقوق بشر رفته‌ایم. در این خصوص با دکتر هیبت‌الله نژندی‌منش گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه ارائه می‌شود.

با توجه به جنایاتی از قبیل شکنجه انقلابیون که از ثابتی سراغ داریم، آیا امکان پیگیری قضایی این جنایات در مراجع بین‌المللی وجود دارد؟

در این خصوص باید گفت هر چند جنایت شکنجه به عنوان یک جنایت بین‌المللی است، اما از حیث محدودیت صلاحیت زمانی برای محاکم کیفری بین‌المللی عملاً چنین امکانی وجود ندارد. از حیث صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری نیز با توجه به اینکه کشور ما کنوانسیون منع شکنجه را نپذیرفته‌است، امکان طرح دعوا علیه کشوری که متهم به ارتکاب شکنجه در آن مقیم است، وجود ندارد. با این حال باید بررسی بیشتری انجام داد که آیا امکان صلاحیت دیوان نسبت به موارد نقض تعهدات حقوق بین‌المللی عرفی در این مورد خاص علیه یک کشور مشخص وجود دارد یا خیر؟ در عین حال قربانیان یا خانواده‌های آنها می‌توانند در محاکم صالح منطقه‌ای مثل دیوان امریکایی حقوق بشر اقدام کنند.

آیا از اول انقلاب سابقه پیگیری قضایی جنایتکاران زمان شاه در مجامع بین‌المللی وجود دارد؟

بدیهی است که اقدامات ثابتی همانند اقدامات پینوشه و دیگر شکنجه‌گران است و طبیعتاً دولت‌ها الزام حقوقی به محاکمه یا استرداد این افراد دارند. همچنین ارکان معاهده‌ای سازمان ملل متحد باید در این خصوص از کشورهای عضو توضیح بخواهند. کشورها نباید قلمرو خود را محل امنی برای شکنجه‌گران و تروریست‌ها قرار دهند هر چند متأسفانه تاکنون هیچ اقدامی در این خصوص در سطح بین‌المللی انجام نشده‌است. موارد زیادی از نقض حقوق بین‌المللی علیه مردم کشورمان وجود دارد که متأسفانه حتی مستندسازی برای ثبت در تاریخ هم انجام نشده‌است. بسیاری از شکنجه‌گران رژیم قبلی با خیال راحت و بدون ترس از محاکمه در امریکا و کشورهای اروپایی زندگی می‌کنند. همین کشورها هم بیشتر از همه ادعا می‌کنند که با شکنجه مخالف هستند، اما در عمل با انگیزه‌های سیاسی شکنجه‌گران را در قلمرو و تحت صلاحیت خود پناه می‌دهند.

با توجه به اینکه بیش از ۴۴ سال از انقلاب می‌گذرد، این مرور زمان می‌تواند موجب تبرئه این جنایتکاران شود؟

اصولاً جنایت شکنجه در زمره جنایات بین‌المللی است که مشمول مرور زمان نمی‌شود. مطالبه کردن از کشورهایی که به این شکنجه‌گران پناه دادند حق و تعهد جامعه بین‌المللی است نه تنها ایران. جنایت شکنجه جنایت بین‌المللی و نقض قواعد آمره است که جامعه بین‌المللی در آن ذینفع است. بنابراین قربانیان باید در کشورهایی که این افراد شکنجه‌گر مقیم هستند، شکایات خود را مطرح کنند. به این طریق کشورهای مزبور ملزم به اتخاذ تصمیم در خصوص محاکمه یا عدم محاکمه شکنجه‌گران می‌باشند.

آیا امکان پیگیری قضایی جنایت‌های ثابتی در دادگاه‌های ایالات‌متحد امریکا که وی اکنون در این کشور مقیم است، وجود دارد؟

حقوق بین‌المللی عرفی ریشه در رویه عام و مستمر کشورها دارد. یک قاعده عرفی همه دولت‌ها را ملزم می‌سازد، مگر اینکه کشوری به طور جدی و مستمر نسبت به شکل‌گیری چنین قاعده‌ای اعتراض کرده باشد. دادگاه‌های فدرال در امریکا ممنوعیت شکنجه را به عنوان یک قاعده حقوق بین‌المللی عرفی پذیرفته‌اند. در امریکا به طور صریح پذیرفته شده است که اگر دولتی مرتکب شکنجه، رفتار غیرانسانی یا بیرحمانه شود، آن را تشویق نماید یا نسبت به ارتکاب آن سکوت کند، حقوق بین‌المللی نقض می‌شود.

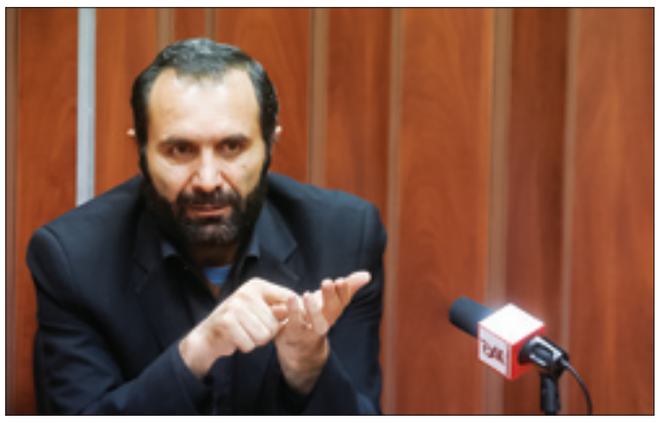

در واقع، منع شکنجه و دیگر رفتارهای بیرحمانه و غیرانسانی یک قاعده آمره است. از این‌رو این ممنوعیت یک قاعده جهانشمول است که ریشه در ارزش‌های بنیادین جامعه بین‌المللی دارد و برای همه کشورها الزام‌آور است.

در سطح داخلی در ایالات متحد امریکا نیز قوانین متعددی وجود دارد که شکنجه را منع می‌کند. هم قانون اساسی و قوانین فدرال شکنجه و بدرفتاری را منع می‌کند. در امریکا قانونی وجود دارد به نام (the Alien Tort Claims Act) که به بیگانگان قربانی شبه‌جرم‌ها از جمله شکنجه این امکان را می‌دهد تا بتوانند در دادگاه‌های امریکا دعوای خود را مطرح کنند. نظر به اینکه این شکنجه‌گران در امریکا حضور دارند قربانیان می‌توانند در دادگاه‌های امریکا ادعاهای خود را مطرح کنند. در این خصوص چند نکته مدنظر است، اولاً اینکه قانون صرفاً به جبران خسارت می‌پردازد و اصلاً بحث مجازات را شامل نمی‌شود. دوم اینکه این قانون صرفاً شامل بیگانگان می‌شود و بنابراین اتباع خود امریکا را شامل نمی‌شود.

مسئولیت اجتماعی

حسین سروقامت

۷۹۶

در یک مهمانی رسمی، ثروتمند سرشناسی کنارش نشست و پس از احوالپرسی، پیشنهاد هدیه آپارتمانی لوکس در شمال تهران را به او داد. پیشنهاد وسوسه‌کننده‌ای است؛ نه؟!

بازیگر طنازی است، همه می‌شناسیدش. قدری جا خورد. .. تأملی کرده، گفت شما به بنده لطف دارید، اما نمی‌توانم هدیه‌تان را قبول کنم!

–احتمالاً منظورش یک پنت هاوس چند ده میلیاردی است. نباید زیر بار منت این هدیه گرانقیمت بروم. شاید فردا مفسد اقتصادی از کار درآمده، بگویند فلانی با او همدست بوده... تا ثابت شود بی‌گناهم، اعتبارم رفته است. یا شاید ناچار شوم آن را پس بدهم. آنگاه زندگی در خانه ۱۶۰ متری کرج برای بچه‌هایم سخت می‌شود...

طرف با تردید سوییچ لکسوسی را از جیبش درآورده، گفت این را دیگر قبول کنید. باز هم عذرخواهی کرده، سرانجام دعوتش را برای یک شام خانوادگی پذیرفت!

از یک هنرمند متعهد همین انتظار می‌رود... نه؟!

گزیده

مدرسه کنکور در تلویزیون راه‌اندازی می‌شود

مدیر شبکه آموزش سیما از افتتاح برنامه «مدرسه کنکور ایران» با شعار پنجره‌ای یکتا رو به عدالت آموزشی خبر داد و گفت: این برنامه از ۲۹ بهمن همزمان با روز مبعث با روزانه سه ساعت محتوا روانه آنتن شبکه آموزش می‌شود.

علی عبدالعالی، مدیر شبکه آموزش سیما با اعلام خبر راه‌اندازی مدرسه کنکور در صدا و سیما گفت: این برنامه مسئله یک میلیون خانواده را حل می‌کند. ما در کشور از عدالت آموزشی برخوردار نیستیم. مؤسسه‌ها از طریق همین صداوسیما می‌گویند فلان عدد را به سامانه پیامک کنید، سپس در کمتر از چند دقیقه با شما تماس می‌گیرند و بابت هر رشته‌ای ۱۳ میلیون تومان می‌گیرند. یک هفته دانش‌آموزان برنامه رایگان ما را ببینند و با برنامه‌های مؤسسات مقایسه کنند و بگویند کیفیت کدام بهتر است. اگر دو سال مسئولان کشور این برنامه را حمایت کنند، بخشی از بی‌عدالتی آموزشی جبران می‌شود.

وی افزود: بیماری کنکور یک درمان ساده دارد. هر کسی در هر جای ایران علاقه‌مند است، من نیم ساعت با او حرف می‌زنم. درمان کنکور عدالت آموزشی تلویزیون است. در کشور ۶۴ میلیون دستگاه تلویزیون وجود دارد. ما محتوای کامل و جامع و رایگان کنکور را در این برنامه ارائه می‌کنیم. قدم بعدی این است که جزوه‌های مکمل را بدون اینترنت به دانش‌آموزان برسانیم. خط قرمز من گرفتن پول از مردم است و همه چیز باید رایگان باشد.

عبدالعالی ادامه داد: سه ساعت برنامه کنکور در روز کافی نیست و این موضوع یک جدول پخش ۱۰ ساعته لازم دارد. می‌خواهیم به رئیس صداوسیما بگوییم یک کانال جدید آموزش ۲ راه بیندازید تا روزی ۱۰ ساعت برنامه پخش کند. ایده‌آل ما تأسیس این کانال است و دلم روشن است این اتفاق بیفتد.

وی همچنین با اشاره به برنامه‌ای جدید با عنوان هوشیار گفت: از ۱۷ اسفند محتوای کلاس‌های آزمون ورودی تیزهوشان در قالب برنامه‌ای ۵۰ قسمتی از شبکه آموزش پخش می‌شود.

مدیر شبکه آموزش سیما با بیان اینکه کنکور، یک مافیای ۵۰ هزار میلیارد تومانی در سال دارد، افزود: ما برای این برنامه بهترین معلم‌ها را انتخاب کردیم و دستمزد خوبی به آنها دادیم. شرط ما این بود که درس دادن‌شان جامع باشد. از چند معلم استفاده کردیم و از آنها خواستیم اشتباهات یکدیگر را مشخص کنند تا مطمئن شویم که نکته درسی جا نیفتاده‌است.

سهراب ابوذرخانی فرد، تهیه‌کننده برنامه مدرسه کنکور ایران نیز در ادامه جلسه گفت: در این برنامه از بهترین دبیرهای کشور استفاده و همه نکات را مطرح کردیم. با روزی سه ساعت پخش از ۱۷ تا ۲۰ کل مباحث تدریس می‌شود. ۵ تا ۸ صبح هم تکرار برنامه را شاهد خواهیم بود. تا آخر اردیبهشت‌ماه به مدت ۱۳ هفته این برنامه پخش می‌شود. از اول خرداد هم برنامه‌ای جامع ویژه امتحان نهایی روی آنتن می‌رود.

وی با بیان اینکه نمی‌خواهیم هزینه ایجاد کنیم، افزود: همه جزوه‌ها به صورت رایگان قابل دانلود است. دانش‌آموز به جز این برنامه به چیز دیگری نیاز ندارد. بالای ۵۰ درصد برنامه‌ها آماده است. مدرسان برنامه دبیران برتر کنکور هستند. ما دنبال مجوز نبودیم که آیا اینها دبیر آموزش و پرورش هستند یا خیر.

به گفته ابوذرخانی فرد این برنامه‌ها برای دانش‌آموزان سه رشته انسانی، تجربی و ریاضی پخش می‌شود و برای دانش‌آموزان دبیرستانی قابل استفاده است.

پیام جوان

سلام بر شما مخاطبان همیشگی «جوان». این ستون متعلق به شماست. دلگویه‌های شما عزیزان را از طریق شبکه‌های اجتماعی با شماره ۰۹۱۹۰۹۶۸۵۳۰ یا تلفن: ۸۸۴۹۸۴۴۸ پذیرا و شنوا هستیم. در نظر داشته باشید این ستون را مسئولان و مدیران با حساسیت ویژه می‌خوانند.

اسکن کنید

شهروند – مرزداران تهران: از مسئولان برگزاری مراسم‌های ملی و مذهبی تقاضا می‌کنم در جانمایی پرچم‌ها اعم از پرچم کشور عزیزمان که مزین به نام الله است، دقت بیشتری داشته باشند. در همین ایام ۲۲ بهمن امثال بعضی از این ارگان‌ها با نصب پرچم روی درختان مسیر راهپیمایی باعث شده‌بودند که با وزیدن باد پرچم‌ها پاره و علاوه بر بی‌حرمتی نسبت به پرچم مقدس کشورمان، حالت بدی را در دید مخاطبان ایجاد کرده‌بود. تقاضا می‌کنم که دقت بیشتری شود، این پرچم مقدس است و خون‌های زیادی برای اعتلای این پرچم ریخته شده‌است. انتقاد دیگر من نسبت به شهرداری تهران است؛ آقای زاکانی در صحبت کردن ماهر است ولی کار در شهرداری به همه مهارت‌ها نیاز دارد و فقط نمی‌شود با حرف کارها را پیش برد. شهرداری کارهای عمرانی را به بخش‌های خصوصی واگذار کرده‌است. به طور نمونه در خیابان مرزداران تهران، پیمانکار بعد از کار عمرانی خیابان را به حال خودش رها کرده‌است و دریغ از اصلاح و لکه‌گیری. این محدوده بعد از بارش‌های اخیر وضعیت نامطلوبی پیدا کرده‌است. مشکل دیگری که نسبت به آن گلایه داشتم این است که دولت اعلام می‌کند در طرحی جدید قیمت گوشت در فروشگاه‌های معتبر سطح شهر با نرخ مناسب در اختیار مردم قرار می‌گیرد، اما وقتی که برای خرید مراجعه می‌کنیم خبری از عرضه گوشت نیست. اگر نظارت نباشد، این مسائل حل نمی‌شود. نظارت‌هایی که روی فروشگاه‌ها و نانوایی‌های سطح شهر است، کفایت نمی‌کند و باید افراد بیشتری را برای این‌گونه نظارت‌ها در اختیار بگیرند و نظارت‌ها را فراگیرتر کنند تا نتیجه بدهد.